

شبى كه صبح نشد

(سیری در زندگی شهید امیر محمد حسنونند)

پدیدآور: محمدرضا حسنونند

۱۴۰۳

- سرشناسه : حسنوند، محمدرضا، ۱۳۴۱-
- عنوان و نام پدیدآور: شبی که صبح نشد: (سیری در زندگی شهید امیرمحمد حسنوند) / نویسنده محمدرضا حسنوند.
- مشخصات نشر : قم: عصر جوان، ۱۴۰۳.
- مشخصات ظاهری: ۸۵ ص.
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۵۳-۵۸۳-۴
- وضعیت فهرست نویسی: فیبا
- عنوان دیگر : سیری در زندگی شهید امیرمحمد حسنوند.
- موضوع: حسنوند، امیرمحمد، ۱۳۴۶-۱۳۶۷.
- موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- سرگذشتنامه
- Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Martyrs -- Biography
- شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات
- Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries
- رده بندی کنگره : ۱۶۲۶DSR
- رده بندی دیویی: ۰۸۴۳۰۹۲/۹۵۵
- شماره کتابشناسی ملی: ۹۸۳۹۴۴۴
- اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



- عنوان کتاب: شبی که صبح نشد
- پدیدآور: محمدرضا حسنوند
- انتشارات: عصر جوان
- ویراستار: زهرا قبادی زاده
- شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۵۳-۵۸۳-۴
- نوبت چاپ: اول ۱۴۰۳
- خدمات فنی: ابوالقاسم کریم تبار
- چاپخانه: زمزم
- شمارگان: ۳۰۰
- قیمت: ۸۰,۰۰۰ تومان

قم- خیابان ارم - پاساژ قدس - طبقه آخر- پلاک ۱۶۷- انتشارات عصر جوان
 تلفن ۰۲۵۳۷۷۳۰۰۳۷ - ۰۹۱۲۵۵۲۸۴۸۰
 حق چاپ برای ناشر و مؤلف محفوظ است.

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه
۱۲.....	شکفتن
۱۷.....	چشم انداز
۲۱.....	آغاز تحول
۲۴.....	زمین خاکی
۲۸.....	حضور
۳۳.....	بوی عشق
۳۷.....	پاسگاه زید
۴۳.....	پاتک
۴۷.....	گمشده
۵۰.....	ابوغریب
۵۴.....	شرهانی
۵۹.....	تهذیب
۶۳.....	در فکه
۶۷.....	آتش خدمت
۷۲.....	فاصله
۷۸.....	شب طولانی
۸۲.....	سفیر

مقدمه

در روزگاری که مادیات به اولویتهای زندگی بشر تبدیل شده و سرنوشت انسان رارقم می زند، معیارهای مادی، سایه سیاه خود را بر جوامع گسترانده و راههای تاریک و ظلمانی را بابتلیغات و فرمانروایی رسانه های هم سو، پرزرق و برق نشان می دهند.

سرمدمداران این جریان با فریفتن افراد جامعه، به منفعتهای کلان اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی می رسند و طرفداران سبک زندگی خود را آگاهانه اما نامحسوس و با جلوه ای زیبا و امروزی به بردگی مدرن می کشانند. آنان در مکتیشان، از قدرت رسانه ها به عنوان ابزاری موثر برای رسیدن به اهدافشان استفاده می کنند تا جایی که رفتارها و ناهنجاری های اجتماعی را به مدرنیته تعبیر می کنند.

امادراین دنیای آلوده، انسانهایی ظهور می کنند که ارتباط خود را باندنای مادیگران قطع کرده و در مسیر تقابل با آنها قرار می گیرند. آنان، دل را به حقیقت سپرده و سیرسلوک عارفانه را به عنوان راهکاری نو برای رهایی از دنیای مادی و سبک زندگی، برگزیده اند و برای رسیدن به نقطه وحدانیت و ذوب در معرفت، تزکیه نفس و خودسازی را به عنوان هدف انتخاب کرده اند.

آنان به حقیقت آیات متعدد قرآن که هدایتگر و نجات دهنده انسان از انحرافات و دوری از خداوند است پی برده و برای تبدیل شدن به انسان کامل و آرمانی و خلیفه خدا شدن، حتی از جان خود هم می گذرنند و به جمع شاهدان همیشه جاوید می پیوندند، تا برای خود عنوان برازنده ی شهید را کسب کنند. شهیدان، انسانهای

وارسته و بریده از دنیایی هستند که برایشان ملال آور بوده و تعلقات دنیایی برایشان بی ارزش است و وقتی در مقام امتحان قرار می گیرند، جانشان را تقدیم اهدافشان می کنند. برای آنها وقتی قطره خونشان بر زمین می چکد، به همان اندازه از وابستگی های دنیا جدا می شوند و مرحله به مرحله اوج می گیرند تا به بینهایت می رسند.

صحبت در خصوص شهید نیاز به درک و شناخت عمیق از فلسفه شهادت دارد تا جایی که خداوند جایگاه و مقام آن را چندین بار در قرآن ذکر کرده اند.

کتاب حاضر گذری بر زندگی برادر شهید امیر محمد حسنوند فرزند پابی احمد است که در جبهه فکه به شهادت رسید او به هنگام شهادت تازه بیست و یک سالش شده بود. نکته قابل تامل این است که او دقیقا در ماه و روزی که پدرش به شهادت رسیده بود شهید شد یعنی، تاریخ شهادت هردو بیست و هفتم فروردین ماه است اما پدر پنج سال زودتر از او عروج کرده بود.

خصوصیات اخلاقی و رفتاری منحصر به فردش زبانزد کسانی بود که او را می شناختند و با وی مراوده داشتند. مدت زمانی که از دوران نوجوانی تا حضورهای متعدد در جبهه و اتفاقاتی را که باهم تجربه کرده بودیم، دستم را برای نوشتن پرتکرار کرده بود. خودم روایتگر شدم و خاطرات آن روزهای به یادماندنی را سریع به رشته تحریر در آوردم. این موضوع بهانه ای شد برایم تا خاطرات بیست و

یکسال با برادر بودن را مکتوب کنم و دیدگانم را با اشک‌های حسرت شستشو دهم و روزهای خوشی و ناخوشی را مرور کنم. مجموعه را بر اساس خاطرات مادر «شب‌ی که صبح نشد» نام گذاشتم تا یادآور شب درازی باشد که مادر در آشوب و دلهره می‌سوخت و منتظر اولین تابش پرتوهای درخشان خورشید بود تا آرام گیرد، اما قبل از آنکه پرتوها بدرخشند خبری او را از پای درآورد.

حیفم آمد خاطرات با او بودن و فرازونشیب‌های زندگی و آن چه در این مدت به خاطر سپرده بودم را ننویسم پس، توفیقی حاصل شد، دست به قلم شدم و صفحات سفید کاغذ را به خاطرات زندگی کوتاهش مزین کردم تا نسل امروز را با گوشه کوچکی از ابعاد زندگی شهدا آشنا کنم.

بسیاری از مطالب و موضوعات حاصل تجربه خودم بود که در صحنه‌های مختلف کنارش بودم اما، برای برآر کردن کتاب پای خاطرات چندین نفر از دوستان و هم‌قطاران شش‌م تاب‌بیاان خاطرات آن روزها، صفحات زرین و متنوعی را از زندگی شهید به تصویر بکشم تا هم یاد او را گرمی بدارم و هم رسالتم را به عنوان نویسنده کتاب و برادر شهید به سرانجام برسانم.

برخود لازم می‌دانم از دوستان و هم‌زمانش که مرا در این مسیر یاری کردند، نهایت سپاس و تشکر را داشته باشم از شمس‌الدین مرادیانی که در آموزشگاه گروه‌بانی، حدود یکسال شبانه روز همراه شهید بود و از رحمن فتح‌الهی و حاج عباس کاکولوند، هم‌زمان شهید در میدان‌های نبرد و جبهه‌های مختلف جنگ.